



دوبله‌ها باید دوبلور بمانند

در چند ماه اخیر، هر اتفاقی که در خصوص فیلم «گذشته»ی اصغر فرهادی افتاده، موافقان و مخالفان خاص خودش را داشته است. هنگام اعطای جوایز جشنواره‌ی کن، خیلی‌ها می‌گفتند «حق «گذشته» نخل طلا بود. خیلی‌ها می‌گفتند نه، خیلی‌ها می‌گویند این فیلم چند پله عقب‌تر از «جدایی نادر از سیمین» است و خیلی‌ها می‌گویند چند پله جلوتر، حتی زمان معرفی نماینده‌ی ایران به اسکار هم یک عده، موافق معرفی «گذشته» بودند و یک عده مخالف. اما دوبله‌ی فیلم «گذشته» باعث شده برای اولین بار همه، نظر واحدی در خصوص تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی داشته باشند. در حال حاضر هیچ‌کس را نمی‌توانید پیدا کنید که دوبله‌ی این فیلم را پسندیده باشد. واکنش‌های منفی زیادی در خصوص دوبله‌ی فیلم «گذشته» در این مدت به وجود آمده. فرهادی فیلم را بدون حضور دوبلورهای حرفه‌ای و حتی بدون استفاده از مدیر دوبلاژ دوبله کرده و نتیجه‌اش، دوبله‌ای شده که خیلی‌ها معتقدند در حد و اندازه‌های دوبله‌ی سریال‌های شبکه‌های ماهوارهای فارسی زبان است. صدای خشک و بی‌روح ساره بیات، سحر دولت‌شاهی، علی سرابی، آزاده صمدی، مانی حقیقی و حتی مسعود رایگان باعث شده دوبله‌ی فارسی «گذشته» ضعیف‌تر از کار در آید و شاید فقط علی مصفا توانسته از پس دوبله‌ی کار بر آید. آن هم دلیل عمده‌اش، این بوده که مصفا خودش ایفای یکی از نقش‌های اصلی این فیلم است. اما بدون شک، نظر متخصصان دوبله‌ی کشور در خصوص این اتفاق می‌تواند جالب باشد، به همین دلیل به سراغ چنگیز جلیوند و منوچهر والی زاده به عنوان دو نماینده از دوبلورهای قدیمی و نیما ریسی به عنوان نماینده‌ی دوبلورهای نسل جوان رفتیم تا نظر آنها درباره‌ی دوبله‌ی «گذشته» و تاثیرات منفی دوبله‌ی بدان فیلم‌روی مخاطب را جویا شویم.

چنگیز جلیوند

حیف از این فیلم بالین دوبله

اصغر فرهادی، دوبله‌ی فیلم «گذشته» را به تعدادی از بازیگران خود فیلم و چند بازیگر دیگر که آنها هم سابقه‌ی دوبلور نداشته‌اند سپرده، نظر شما در خصوص چنین اتفاقی چیست؟

به هر حال کاری است که انجام شده ولی خب اگر دوبله‌ی بهتری نسبت به این فیلم انجام می‌شد قطعاً میزان تاثیرگذاری‌اش خیلی بهتر بود. کار دوبله‌ی درست به فیلم، روح و جان تازه‌ای می‌دهد و دوبله‌ی بد دقیقاً برعکس این قضیه عمل می‌کند.

دوبله‌ی «گذشته» بر عهده‌ی دوبلورهای حرفه‌ای نبوده، حتی کار بدون مدیر دوبلاژ انجام شده و صرفاً خود آقای فرهادی بالای سر دوبله‌ی این فیلم بوده‌اند. نظر شما در خصوص کیفیت کار چیست؟

من که فیلم دوبله شده را ندیدم ولی دوستان مورد توفیق و باتجربه‌ای که فیلم را مشاهده کرده‌اند می‌گویند کار خیلی ضعیف و پیش پا افتاده و ابتدایی در آمده.

با توجه به سابقه‌ی شما، آیا در سینما قبل و بعد از انقلاب، کارگردانی بوده که با حضور چند بازیگر و بدون مدیر دوبلاژ و گوینده‌های

شما ۵۰ سال است که هم دوبلور هستید و هم مدیر دوبلاژ. آیا سابقه داشته است در این مدتی که شما کارها را دوبله کرده‌اید، کارگردانی، چند بازیگر را بگذارید و فیلم‌شان را دوبله کنید؟

تا آن جایی که خبر دارم فقط یکسوی تو فیلم بوده. مثلاً آقای کیمیایی، فیلم «جرم» را دوبله‌ی کامل کرده ولی همه، دوبله‌های حرفه‌ای بودند که به جای بازیگران صحبت کرده‌اند!

آیا اینکه بازیگران بخواهند اثری را دوبله کنند، ذاتاً اشکالی دارد؟

اینکه مثلاً «علی مصفا» به جای خودش صحبت کند که مشکلی ندارد. شهاب حسینی هم در «مدار صفر درجه» به جای خودش صحبت کرده بود و اتفاقاً خیلی هم خوب کارش را انجام داده بود. نمونه‌های زیادی داریم که بازیگران به جای خودش کار را دوبله کرده‌اند ولی در «گذشته» آدم‌های دیگری جای شخصیت‌های فیلم حرف زدند و آن آدم‌ها متأسفانه تکنیک دوبله را نمی‌دانند. دوبله یک کار تکنیکی است! اینکه مثلاً به آنها گفته شود سر لب شروع کنید به گفتن دیالوگ و بعد با دست‌های‌ها دیجیتالی آنها را سینک کنند که اسمش دوبله نمی‌شود. در دوبله، مسئله‌ی حس گفتار و بیان خیلی تاثیرگذار است.

خب اگر بازیگر حس و بیان خوبی داشته باشد، نمی‌توانیم بگوییم می‌تواند دوبلور خوبی هم باشد؟

به طور کلی نه، ولی می‌تواند نقشی که خودش بازی کرده را دوبلوری کند چون وقتی جای خودش صحبت می‌کند، می‌داند که در تمام جمله‌هایش، چه حس و حالی وجود دارد، ولی تکنیک پشت میکروفون نیستند از ظرافت‌های دوبلوری است که گاهی بهترین بازیگران هم فاقد آن هستند، مثلاً ما با کبیر عبدی یک همکاری مشترک داشتیم که در آن، عبدی جای خودش حرف می‌زد، به هر حال، عبدی هنرپیشه‌ی قدرتمندی است ولی زمانی که می‌خواست نقشی که بازی کرده را دوبله کند، در کل خودش را نگاه می‌کرد و توجه‌اش به خودش بود تا ببیند صورتش در چه حسی قرار دارد. من هم به او می‌گفتم: «کبیر جان! فرض کن این یک هنرپیشه‌ی دیگر است که تو جای آن حرف می‌زنی و آنقدر به فکر قیافه‌ات نباش!» قرار نیست فقط منتظر باشیم که دیالوگ، سینک شود. در دوبله، حس و صدا و بیان را باید در یک لحظه حفظ کرد. این تکنیک است، مسلماً بازیگری که قرار است جای یک نفر دیگر صحبت کند و قبلاً هم تجربه‌ی دوبله نداشته، نمی‌تواند حس و بیان خوبی داشته باشد و این طبیعی است.

حرفه‌ای، دوبله‌ی فیلمی را انجام دهد؟

خیر، تمام فیلم‌هایی که دوبله می‌شود، مدیر دوبلاژ داشت ولی بعضی از فیلم‌های فارسی‌هایی که ما دوبله می‌کردیم، کارگردان نظرانی داشت و دوست داشت با مدیر دوبلاژ همکاری کند ولی در فضای صمیمانه و کاملاً حرفه‌ای، نه اینکه بخواهد فشاری وارد کرده و نظرات خود را به مدیر دوبلاژ تحمیل کند. مثلاً مرحوم علی حاتمی همیشه هنگام دوبله‌ی فیلم‌هایش حضور داشت. مدیر دوبلاژ کار خودش را انجام می‌داد و او هم نظرات خود را به مدیر دوبلاژ می‌گفت. حتی سیامک یاسمی کارگردان «گنج قارون» که خودش دوبلور بود وقتی دوبله‌ی فیلمش، دست مدیر دوبلاژ بود فقط نظراتش را به مدیر دوبلاژ ابراز می‌کرد و تصمیم‌گیری نهایی را بر عهده‌ی مدیر دوبلاژ می‌گذاشت چون می‌دانست در نهایت مدیر دوبلاژ است که می‌داند چه کار باید انجام دهد و تنها اوست که می‌تواند کاری کند تا دوبله‌ی اثر، آبرومند و درست از کار در آید. اما در کل فیلم باید مدیر دوبلاژ داشته باشد. مدیر دوبلاژ عضو ناگسستی فیلم‌هایی است که دوبله روی آنها گذاشته می‌شود. مدیر دوبلاژ کسی است که چپ‌مان گویندگان نقش‌های مختلف یک فیلم را بر اساس جنس صدایی که دارند و جنس فیلمی که قرار است دوبله شود، مشخص می‌کند. این کار برای کیفیت داشتن دوبله‌ی یک اثر بسیار حیاتی و مهم است ولی متأسفانه در فیلم «گذشته»، اشخاص درستی به جای شخصیت‌های اصلی فیلم صحبت نکرده‌اند.

به نظر شما تاثیرات منفی چنین کاری چه می‌تواند باشد؟



الان همه می‌گویند حیف این فیلم که گویندگان، آن را دوبله نکرده‌اند. معتقدم حتی اگر نمی‌خواستند کار را در ایران دوبله کنند، می‌توانستند از گویندگان خوبی که خارج از کشور هستند، استفاده کنند. تمام سریال‌ها یا فیلم‌های برخی شبکه‌های ماهوارهای زبان را همین بچه‌ها انجام می‌دهند که جدا از کارهای بد و سطحی در بعضی موارد انصافاً کارهای خوبی هم انجام می‌دهند. حسی در لس‌آنجلس هم آقای فیروز کار با آقای همایونی هستند که خیلی خوب دوبله می‌کنند. امیدوارم در مورد «گذشته» هم نداشتن فرصت کافی برای دوبله یا مشکل مالی علت اصلی این کار بوده باشد.

هر چند معتقدم مشکل مالی نمی‌توانست خیلی تاثیرگذار باشد. به هر حال «گذشته»، یک فیلم بسیار خوب و جهانی است و همه‌ی ما حاضر بودیم همه‌جوره، همکاری‌های لازم را برای یک دوبله‌ی خوب روی فیلم انجام دهیم. اصلاً شاید همه، افتخاری می‌آمدند. حداقل در مورد خود می‌توانم بگویم اگر برای انجام چنین کاری دعوت می‌شدم افتخاری دوبله‌ی این کار را انجام می‌دادم. به هر حال، آقای فرهادی از مفاخر سینمای ما به حساب می‌آید و آثاری که ساخته‌اند، منفعتهای زیادی برای سینمای ایران داشته و شاید کمک ما برای این دوبله‌ی درست و جذاب این فیلم می‌توانست یک درصد از همه‌ی این افتخاراتی که ایشان برای سینمای ایران کسب کرده‌اند جبران کند، ما هم افتخار می‌کردیم که این کار را انجام دهیم ولی متأسفانه از ما خواستند و نتیجه‌اش هم چیزی شده که تا همین امروز حتی یک نفر باز خورد خوبی نسبت به آن نداشته‌است.



منوچهر والی زاده

نبود مدیر دوبلاژ بزرگترین اشتباه

فرهادی را قبول داریم، او خیلی در کارش موفق است و صدر صد فیلم «گذشته» هم خیلی خوب است ولی الان خیلی‌ها به هم می‌گویند «گذشته» را بازیرنویس بین و این بد است.

این عدم استفاده از مدیر دوبلاژ چه تاثیر منفی می‌تواند بر مخاطب بگذارد؟

الان می‌بینیم که تاثیرش را گذاشته و من خیلی می‌شوم که مخاطبان عالی می‌گویند دوبله‌ی فیلم اصلاً خوب نبوده است. ببینید وضعیت دوبله در مملکت ما به در جانی رسیده که خیلی‌ها به این شغل علاقه‌مند هستند نه اینکه داخل این کار باشند، دور آواز خیلی این کار را دوست دارند. مثلاً چند جوان ۲۰ ساله به من و امثال من می‌گویند من عاشق صدای شما هستم، مقدر صدای تام کروز یا ویل اسمیت را خوب گفتم‌اید چرا این جمله را می‌گویند؟ چون به دلش نشست است. حالا چرا به دلش نشست است؟ برای اینکه من با تجربه‌ی کار می‌کنم، من تجربه دارم، من بلد هستم که به چه شکل، حس تام کروز را از او بگیرم و به خودش پس بدهم ولی شما یک شخصی را تازه می‌آورید پشت

«گذشته» مدیر دوبلاژ هم نداشته است. حضور مدیر دوبلاژ چقدر موثر است؟

مدیر دوبلاژ مثل کارگردان است. مثلاً بازیگر می‌خواهد سکانشی را بازی کند وقتی کارگردان بالای سر بازیگر است بر اجرای بازیگر نظارت کامل دارد. اینکه اکت‌های او چگونه است یا به چه شکل حرف می‌زند. این نظارت لازم است چون بازیگر همیشه فکر می‌کند بهترین بازی را انجام می‌دهد در حالی که کارگردان به عنوان یک متخصص و در عین حال یک شنونده و بیننده بیرونی می‌تواند اشکالات بازی بازیگر را ببیند و آنها را رفع و رجوع کند. مدیر دوبلاژ هم نقش کارگردان را در کار دوبله دارد. وقتی بالای سر کار باشد به دوبلور می‌گوید این جمله آکسان‌اش چگونه است یا این جمله را سینک نکنی و حالت بیانش طور دیگری است. اینها وظیفه‌ی مدیر دوبلاژ است که به دوبلور تذکر دهد.

پس اگر حسی طرف مقابل دوبلور هم نباشد، حضور مدیر دوبلاژ می‌تواند کاری کند که کیفیت کار بالاتر برود؟ یا به عبارت دیگر اگر ما دوبلورهای حرفه‌ای نداشته باشیم، تاثیر مدیر دوبلاژ آنقدر هست که بتواند دوبله را خوب از آب در بیاورد؟

صدر صد، اصلاً جای بحث ندارد. همه‌ی ما، آقای

میز، یک تکنیک کوچک را به او می‌گویند که مثلاً اینجا به تواتر کرده شروع کن به گفتن دیالوگ، گفتن همین که «هن اشاره می‌کنم تو شروع کن» یا «تا من نگفتم نباید شروع کنی»، ذهن دوبلور را به هم می‌ریزد، غلبه بر این مشکل و اینکه دوبلور کی و کجا شروع به گفتن دیالوگ کند، با تجربه و تمرین زیاد بدست می‌آید. حالا «گذشته» به کنار، می‌دانید چرا دوبله‌ی سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ی فارسی زبان هم خوب نیست برای اینکه اشخاص بلافاصله پس از دانشگاه رفته‌اند داخل استودیو تا در پول، صداها ایشان را در بیآورند، الان هم متأسفانه با این دست‌گاه‌های دیجیتالی جدید، دورهمی دوبلورها از بین رفته و همه‌ی دوبلورها تنها تنها می‌نشینند و دوبله می‌کنند ولی در «گذشته» همین طوری نشستند و صحبت کرده‌اند و آقای فرهادی هم دلشان خوش است که دوبلور نیآورده‌اند مثلاً شاید فکر کرده‌اند اگر آقای جلیوند را بیآورند به جای یکی از شخصیت‌های فیلم حرف بزنند، ممکن است مردم داخل سینما بگویند اینکه صدای فردین است یا اگر به جای ساره بیات از مینو غزنوی برای نقش «رنیس بزو» استفاده می‌کردند چه اتفاقی می‌افتاد؟ ممکن بود مردم بگویند این صدای یلگوم است؟ (با خنده)

یعنی ممکن است از ترس شناخته شده بودن صدای دوبلورهای حرفه‌ای، «گذشته» بدون استفاده از دوبلورهای شناخته شده، دوبله شده باشد؟

بله قول می‌دهم که همین قضیه بوده. آقای فرهادی می‌خواست صداهای کاراکترها در فیلم‌های شناخته‌شده در دنیای دوبله نباشد و خب دیدیم با این کارش ضرر کرده می‌توانست دوبلوری را بیآورد که صدای شناخته‌شده‌ی نداشته باشد مثل همین بچه‌هایی که ۱۵ سال است که در تلویزیون کار کرده‌اند و صدایشان هم زیاد شناخته‌شده نیست ولی تکنیک این کار را بلد هستند، حالا درست است که آن آقای خاتوم که در «گذشته» حرف



زده، هنرپیشه است ولی همانگونه که گفتم دوبله‌ها هنرپیشه‌گی تفاوت دارد، دوبلور، یک هنرپیشه پشت میکروفون است ولی باید تمام حالت‌های هنرپیشه‌ی اصلی را داشته باشد. ما چون داخل اتاق هستیم نباید حتی کت و شلوارمان صدا بدهد به همین علت، ما هنرپیشه‌های فضای بسته‌ای ولی تجربه داریم.

خود را برای بازسازی درست و بجای بازی‌های ظریف و واقعی فیلم انجام دادند. با این حال، حضور آنها در فضای استودیو و شیوه‌ی ضبط صدا در استودیو که زندگی و حرکت را از بازی و صدای آنها می‌گیرد باعث شد در مواقعی جدا بودن صداها از بازیگران فیلم بارز شود. خامی بازی‌ها، هنگام دوبله نسبت به بازیگران فیلم، البته قابل درک است و نمی‌توانیم حس و حال بازیگران را هنگام فیلمبرداری، و پس از تمرین‌های فراوان، با هنگام دوبله در استودیو و وقت‌تیمین محدود آن مقایسه کنیم. هنگام دیدن نسخه‌ی دوبله‌ی فیلم به نکته‌ی جالبی برمی‌خوریم: بازیگران دوبله، حتی آنهایی که تجربه‌ی کار با فرهادی را نداشته‌اند دچار نوعی هیجان زدگی‌اند، به جز علی مصفا و بابک کریمی و همینطور از آده صمدی که از تسلط خوبی برخوردارند، بقیه‌ی بازیگران دوبله، هر یک به نوعی دچار این هیجانند، انگار به فرصت بیشتری برای نزدیک شدن به شخصیت‌ها نیاز داشتند. و همینطور بازیگری که به جای «طاهارحیم» حرف می‌زند با صدا و بازی تخت و بی‌خاصیتش در طول فیلم به بازی رحیم لطمه زده و نشان می‌دهد که انتخاب نامناسبی است. به هر تقدیر، باز هم باید این را گفت که دوبله خواه ناخواه ذاتاً به این اثر و بازی بازیگران ضربه می‌زند اما اصغر فرهادی با درایت توانسته این آسیب را به حداقل ممکن برساند.



این اثر بیش از هر کسی می‌داند که دوبله چطور می‌تواند در چشم‌هم‌زدنی این فضای ملموس و طبیعی را به یک فضای ساختگی و تصنعی بدل کند. حالا او باید یک بار دیگر آن بازی‌های ظریف و طبیعی را که در موقعیت و فضای خاص تمرین‌ها و هنگام فیلمبرداری اتفاق افتاده دوباره در استودیو بازسازی کند، و این همان موقعیتی است که در آن، اهمیت بازیگر بودن کسانی که قرار است به جای بازیگران فیلم حرف بزنند و در واقع بازی کنند، مشخص می‌شود. استفاده از بازیگران حرفه‌ای که برخی هم پیشتر تجربه‌ی کار با فرهادی را داشته‌اند، بهترین گزینه‌ی ممکن است. به حتم برای او، زیبایی صدا یا رنگ و جنس و تن به خصوص صدا که البته غالباً در مورد گویندگان حرفه‌ای دوبله صادق است، کمترین اهمیت ممکن را داشته و در میان گزیننده، خبری از صداهای به اصطلاح آشنا نیست. حتی آن حس بازمی‌یاد نویسنده‌ی کتاب «گذشته» آن تعریف همیشگی و بهتر بگویم کلیدهای که از دوبله داریم می‌شکند و با موقعیت‌تازای برای دوبله‌ی یک فیلم روبه‌رو می‌شویم. بازیگرانی که برای دوبله‌ی فیلم انتخاب شدند، نهایت تلاش

نیما ریسی

از بین رفتن روح گذشته

در بسیاری از کشورهای جهان، مراسم است که فیلم‌ها و سریال‌های خارجی زبان دوبله شوند. در ایران تجربه ثابت کرده است - به خصوص به واسطه‌ی کانال‌های فارسی‌زبان ماهوارهای - که اگر دوبله‌ها از کیفیت بسیار پایینی برخوردار باشند باز هم تماشاگر رایج سینما و تلویزیون ترجیح می‌دهد نسخه‌ی دوبله‌شده را تماشا کند، تا اینکه بخواهد خود را به خاطر خواندن وفادار به نسخه‌ی اصلی اثر نمی‌شود، که می‌تواند بیشتر از طیف هنرمند جامعه باشند. به این ترتیب دوبله، بهترین راه برای همه‌گیر و هم‌بند کردن فیلمی است که بازیگران آن به زبان دیگری سخن می‌گویند. در واقع این تنها دلیل یا بهتر بگویم تنها اجباری بود که پای «گذشته» را به دوبله کشاند. همین ابتدا بگویم که دوبله، خواه ناخواه، ذاتاً به این فیلم و بازی بازیگران ضربه می‌زند. شاید بارزترین ویژگی «گذشته»، جاری بودن روح زندگی در لحظه لحظه‌ی فیلم باشد، صحنه‌هایی بی‌نهایت نزدیک به واقعیت و بازیگرانی که بیشتر در لحظه‌های فیلم زندگی می‌کنند تا بازی. اصغر فرهادی به عنوان پدیدآورنده‌ی